

بررسی نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در روابط اجتماعی

محمد رضا مقومی*^۱

۱ عضو هیات علمی، موسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو، دانشکده علوم انسانی، اصفهان، ایران.

* نویسنده مسئول (moghumi@daneshpajooan.ac.ir)

چکیده

مقاله پیش رو به بررسی نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی اجتماعی جامعه می‌پردازد. سازمان‌هایی که علیرغم قدمت دیرینه‌ی خود در جامعه ایران و نهادینه شدن فعالیت‌های آنها هنوز جایگاه اصلی خود را در روابط اجتماعی از یک سو، و تعامل با نظام سیاسی و مدیریت اجرایی را از سوی دیگر نتوانسته پیدا کند. این مهم می‌تواند عواملی چندگانه را به همراه داشته باشد. نکته مهم و اساسی آن است که در تبیین اهداف، ویژگی‌ها و نقش‌های مربوط به این سازمان‌ها کوشش و اهتمام جدی همراه باشد و در جامعه به اشکال قانونی بتوان در کسب جایگاه سازمان‌ها اهتمام نمود. مشکل عمده‌ای که در راه رسیدن به توسعه یافتگی و نهادینه شدن فعالیت‌ها و کارویژه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد، نبود سازوکار مناسب و یک پارچگی در مواجهه با این سازمان‌ها در نظام اجرایی و تصمیم‌گیری می‌باشد.

واژگان کلیدی: سازمان مردم‌نهاد، سازمان‌های غیردولتی، سمن‌ها.

۱- مقدمه

هر پدیده اجتماعی برای ایجاد و تداوم، نیازمند جایگاهی در ساختار و نظام اجتماعی است و این جایگاه نیز خود برگرفته از نیازی است که جامعه‌ی مورد نظر به وجود آن پدیده نشان می‌دهد. در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد مهم‌ترین سوالی که به ذهن خطور می‌کند این است که ضرورت شکل‌گیری این سازمان‌ها در جامعه ایران چیست؟ و این سازمان‌ها چه کارکردهای مثبتی دارند؟ و آیا این کارکردها می‌توانند توجیه‌گر وجود سازمان‌های مردم‌نهاد باشند؟ ضرورت و اهمیت پردازش مباحث مربوط به سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل اهدافی است که این سازمان‌ها ایفا می‌کنند و به خصوص به دلیل ماهیت حکمرانی است که در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد.

تا کنون تحقیقات بسیاری جهت تبیین نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد غیر دولتی انجام گرفته است. کیوشا ما، در پژوهشی در سال ۲۰۰۵ پیرامون "سازمان‌های غیر دولتی در چین معاصر" به بررسی رشد سریع سازمان‌های غیر دولتی و اندازه‌گیری تغییرات عمیق اجتماعی و تنش‌های سیاسی رخ داده در چین از دهه ۱۹۸۰ تا به امروز پرداخت.

ترنس گوی و همکاران وی در ۲۰۰۴ در تحقیق دیگری تحت عنوان "سازمان‌های غیردولتی، فعالیت سهامداران و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی مسئولانه: پیامدهای اخلاقی، استراتژیک و حکمرانی" تاثیر رو به رشد سازمان‌های غیر دولتی در قلمرو سرمایه‌گذاری اجتماعی را مورد بررسی قرار دادند. آنها در این پژوهش به این نتیجه که سازمان‌های غیر دولتی به عنوان بازیگران اصلی در سرمایه‌گذاری اجتماعی مسئولانه در حال رشد است و می‌تواند در عمل کرد اجتماعی موثر باشند.

دماری و همکاران در ۱۳۹۳ در پژوهشی با عنوان "نقش و عمل‌کرد سازمان‌های مردم‌نهاد در حفظ و ارتقای سلامت جامعه"، نداشتن برنامه راهبردی در ۳۵ درصد از سمن‌های مورد مطالعه را هشدار برای کاهش اعتبار سمن‌ها در جامعه دانستند، چرا که داشتن برنامه نشان از تعهد اعضای هیات موسس و مدیره برای خدمات رسانی به گروه هدف می‌داند.

پاتریک کیل بی در ۲۰۰۵ در مقاله‌ای با عنوان "مسئولیت‌پذیری برای توانمندسازی: دشواری‌ها با سازمان‌های غیر دولتی" به تاثیرات سازمان‌های غیر دولتی در روند توانمندسازی فقرا و حاشیه‌نشینان در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. در این تحقیق که در کشور هند صورت گرفته نقش آفرینی این سازمان‌ها و ارزش‌های حاکم بر نهادهای غیر دولتی را بسیار با اهمیت می‌داند.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و توصیفی می‌باشد و از پژوهش‌های صورت گرفته استفاده گردیده است.

۳- سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) به سازمان‌هایی داوطلبانه، غیردولتی، غیرانتفاعی، عام‌المنفعه و خیرخواهانه اطلاق می‌شود که مطابق اساسنامه مشخص در حوزه‌های خاص به فعالیت مشغولند و ویژگی مهم آنها غیرسیاسی بودنشان است. سمن‌ها تحت عنوان شخصیت حقوقی سازمان خود، حق انجام فعالیت سیاسی ندارند. خیرخواهانه بودنشان به این معناست که هدف از تشکیل این سازمان‌ها کسب درآمد اقتصادی نیست و اگر درآمدی به دست آورند باید در راستای اهداف خیرخواهانه عمومی یا حل مشکلی از اجتماع که در اساسنامه قید شده است، هزینه کنند. موضوع فعالیت سمن‌ها متنوع است؛ از جمله راهکار برای رفع آسیب‌های اجتماعی، نیکوکاری، آبادانی، مذهبی، بهبود وضعیت فرهنگی جامعه، زنان، کودکان، حمایتی، توسعه و ... معرفی می‌کنند. یکی از عوامل اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، میزان و کیفیت فعالیت سازمان‌های مردمی است. در ایران، سمن‌ها نسبتاً نوپا بوده و مراحل ابتدایی رشد و بلوغ خود را طی می‌کنند. با وجود این، در آیین‌نامه‌ها و قوانین کشور اهمیت خاصی به توانمندسازی سمن‌ها و لزوم بهره‌گیری از نقش موثر و قابلیت‌های آنها مبذول شده است تا جایی که ۲۶ ماده از مواد قانون و مقررات برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به تقویت، همکاری و جلب مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد اختصاص پیدا کرده بود. بنابراین ضروری است که هم سازمان‌های مردم‌نهاد در پویایی، بالندگی و مدیریت مناسب و ارائه خدمات مطلوب به هم‌نوعان بکوشند و هم دولت و مسئولین در این مسیر به آنها مساعدت کنند.

براساس تعریف سازمان ملل، NGO ها یا سازمان‌های غیردولتی باید دارای چهار مشخصه اصلی باشند:

(۱) از وابستگی مستقیم به هر حکومتی آزاد باشند

(۲) فعالیت‌های سیاسی و وابستگی به احزاب سیاسی نداشته باشند

(۳) غیرانتفاعی باشند و فعالیت اقتصادی نکنند.

۴) فاقد فعالیت‌های خشونت‌آمیز بوده و با گروه‌های بزهکار مرتبط نباشند.

همچنین در تعریفی دیگر از سازمان مردم‌نهاد باید گفت: سازمان مردم‌نهاد به تشکلی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط، تأسیس شده و غیرانتفاعی، غیرسیاسی و عضوپذیر است.

۱-۳- کارویژه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد:

برخی از کارویژه‌های این سازمان‌ها عبارتند از:

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها): سازمان‌های مردم‌نهاد، غیر دولتی ۱ هستند بدین معنی که تأسیس آنها بر اساس تصمیم دولتی و در چارچوب بودجه عمومی انجام نمی‌گیرد بلکه اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی مؤسس آنها می‌باشند، البته سازمان‌های مردم‌نهاد و مجموعه دولت دارای ارتباط و اثرات دوجانبه می‌باشند.

غیر انتفاعی ۲ هستند بدین معنی که دست یافتن به درآمد و سود و انجام فعالیت‌های تجاری و صنفی انتفاعی به منظور تقسیم منافع بین اعضاء، مؤسسان، مدیران و کارکنان هدف سازمان نیست، هرچند که این ویژگی، سازمان مردم‌نهاد را از دست‌یابی به درآمد برای اداره امور خود باز نمی‌دارد.

گسترش ارتباطات و حوزه اطلاعات و اهمیت تخصص‌گرایی باعث شده که به دنبال راهی برای تعامل میان کسانی که تاثیر مستقیم و یا غیر مستقیم در اداره جامعه دارند، باشیم.

تمایل به استقلال دارند بدین معنی که سازمان مردم‌نهاد سعی می‌کند برای تحقق اهداف خود در چارچوب قوانین موضوعه تا حد ممکن از درجه استقلال بالایی برخوردار باشد و زیر نفوذ صاحبان قدرت و یا گرایش‌های مختلف قرار نگیرد.

خودجوشی و نیاز طبیعی به این معنا که سازمان‌های مردم‌نهاد بنابر نیاز طبیعی ناشی از شرایط فکری، محیطی، انگیزش‌ها، خصوصیت‌ها و آرمان‌های مشترک افراد و جامعه، و به صورت داوطلبانه و خودجوش و بر اساس اصل آزادی اراده اشخاص تأسیس و اداره می‌شوند. دارای ویژگی غیر سیاسی بودن هستند و این اهداف غیر سیاسی در بردارنده فعالیتی است که مشمول ماده یک قانون احزاب نگردد.

۲-۳- کارکرد های سمن‌ها

سمن‌ها از طریق اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی (ارتباطات)، جلب مشارکت مردمی (بسیج عمومی)، جذب سرمایه‌ها و منابع کوچک مردمی (بسیج منابع)، ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی بین دولت و مردم، گسترش نظارت عمومی و ارزیابی فعالیت‌ها، افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع و هنجارسازی عمل می‌کنند که در این بین سه موضوع "جلب مشارکت مردمی"، "بسیج منابع" و "نظارت و ارزیابی" از اهمیت و جایگاه بالاتری برخوردار هستند.

گذشته از این کارکردهای کلی می‌توان بر اساس وضعیت هر جامعه‌ای کارکردهایی برای سمن‌ها تعریف کرد. به عنوان مثال در وضعیت حاضر کشور که شاهد مناطق روستایی رو به گسترش و توسعه هستیم سمن‌ها می‌توانند نقش به‌سزایی داشته باشند. به عبارتی مهم‌ترین ابزار اصلی نیل به این مقصود (توسعه روستا) را می‌توان در تشکیل نهادهای سازمان‌دهی شده غیردولتی ۳ دانست، که بر اساس نیاز و توانایی گروه‌های مختلف ساکن روستا، در موضوعات متنوع و ضروری محیط بومی و محلی، جهت اجرای برنامه‌های توسعه‌ای روستاها ایجاد می‌گردد. در گذشته دور در ایران نیز، تشکلهایی مشابه، با ساختار سنتی ایجاد شده بودند که برای حل بسیاری از مشکلات روستائیان، فعالیت می‌کردند که این نهادها به شکل سنتی خود امروزه کارایی چندانی ندارند.

یکی دیگر از موضوعات مهمی که می‌تواند توسط سازمان‌های مردم‌نهاد مورد توجه قرار بگیرد، مسئله مدیریت بحران و اقدامات مناسب در صورت بروز حوادث طبیعی است. قطعاً یکی از موضوعاتی که می‌تواند آسیب‌های حوادث طبیعی را بعد از وقوع به حداقل برساند وجود نیروهای کارآموزده و مجرب در برخورد با این اتفاقات است. سمن‌ها می‌توانند با ایجاد گروه‌های آموزشی و دادن آگاهی به عموم مردم در این مهم نقش بسزایی داشته باشند.

1. Non-Governmental
2. Non-Benefite
3. NGOs

شاید در یک تعریف ساده بتوان گفت که سمن‌ها در حکم بازوهای اجرایی دولت‌ها برای انجام امور جاری کشور هستند. این مسئله که سمن‌ها مجاز به انجام فعالیت‌های اقتصادی نیستند با هدف کسب سود و درآمد نیستند باعث می‌شود که شائبه رانت خواری در فعالیت‌های این موسسات کمرنگ شود.

به نظر می‌رسد که سازمان‌های مردم نهاد در کشور ما راهی طولانی در پیش‌رو دارند و البته برای اینکه به جایگاه اصلی خود دست‌یابند لازم است راجع به کارکردهای این نهاد مهم و نحوه تعامل آن با دولت و بخش خصوصی تغییراتی در دیدگاه مسئولین دولتی ایجاد شود و سمن‌ها به‌عنوان یک مهره مهم مورد توجه قرار گیرند.

امروزه قبول و توسعه نقش نهادهای مدنی دیگر یک انتخاب برای دولت‌ها نیست بلکه ضرورتی گریز ناپذیر برای دوام و ثبات سیاسی رژیم‌های حکومتی به شمار می‌رود.

در جوامع شهری که شهروند انسانی دارای سطحی از آگاهی از حقوق فردی و ذهنی نقاد است می‌کوشد تا با رفتارهای مبتنی بر مدنیت مشارکت جویانه در تصمیم‌سازی‌های جامعه فعال باشد. در این گونه جوامع مدنی از زیر دست‌سازی مردم با هر عنوانی مخالفت می‌شود و مردم نه تنها در تئوری ولی نعمت دولت‌ها محسوب می‌شوند بلکه در عمل نیز دولت‌ها خود را خادم جامعه و نه ارباب مردم، می‌انگارند. از مشخصه‌های رفتار مدنی یک شهروند می‌توان به باور به احترام متقابل به همه شهروندان سوای رنگ، نژاد، دین و زبان، ارتباطات هوشمندانه با همفکران، خویشاوندان، همکاران و همسایگان، نیکخواهی برای همه آدمیان و رعایت انصاف در مراودات انسانی اشاره کرد. این خصیصه‌ها، زندگی جمعی شهروند را انسانی‌تر و در عرصه اجتماعی وی را مشارکت‌جو در تصمیم‌سازی‌ها و مخالف زیر دست‌سازی بار می‌آورد. بدین‌سان جوامع مدنی جوامعی با سطح قابل قبولی از مشارکت و دموکراسی خواهی همراه خواهد بود، که به ناچار دولت مردان را به قبول نقطه نظرات مردم در تصمیم‌گیری‌ها وادار می‌سازد. در این جوامع، مردم خود در اجرای قوانین به دلیل مشارکت در تنظیم، پیشگام دانسته و نسبت به رفتارهای متعارض دیگران با قانون نقش نظارتی و هشدار دهنده ایفا می‌کنند.

همان‌گونه که پیشتر اشاره گردید، سازمان‌های مردم نهاد بنا به تعریف، تشکلهایی هستند که با مشارکت داوطلبانه‌ی شهروندان بدون دخالت دولت و به طور غیرانتفاعی و عام‌المنفعه ایجاد می‌شوند و فعالیت آنها معطوف به موضوعات علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، هنری، نیکوکاری و امور خیریه، بشردوستانه، امور زنان، آسیب‌دیدگان اجتماعی، حمایتی، بهداشت و درمان، توانبخشی، محیط زیست، عمران و آبادانی و نظائر آن است. (آیین‌نامه تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی) ویژگی اصلی این سازمان‌ها آن است که حزب یا تشکل سیاسی نبوده و به هیچ یک از احزاب و تشکل‌های سیاسی وابستگی ندارند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳)

بنا بر یک برآورد، اکنون در ایران تعداد سازمان‌های غیردولتی و مردمی روی هم‌رفته بالغ بر ۲۰۰۰۰ تشکل است که در مقایسه با سال ۱۳۵۸ پانزده برابر شده‌اند. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۰) هرچند در این رقم تفاوت مشخصی میان سازمان‌های مردمی و غیردولتی وجود ندارد. به عنوان نمونه‌ای از افزایش این سازمان‌ها می‌توان به تشکل‌های غیردولتی زنان اشاره کرد که از ۶۷ مورد در سال ۱۳۷۶ به ۲۴۸ تشکل در سال ۱۳۷۹ رسیده و میزان رشدی معادل ۳۲۰ درصد در فاصله سه سال را نشان می‌دهد. تعداد این سازمان‌ها تا پایان دوره دوم ریاست جمهوری دولت اصلاحات به بیش از ۴۸۰ تشکل رسید که در مقایسه با سال ۱۳۷۶ رشد ۶۱۶ درصدی داشته است. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳) این ارقام به خوبی بیانگر رشدی بی‌سابقه نسبت به گذشته است. با این‌همه، نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی نشان می‌دهد که بیشترین فعالیت آنها در زمینه‌ی فعالیت‌های پولی، مالی، و قرض‌الحسنه بوده است و سازمان‌هایی که در زمینه‌ی سالمندان و کودکان فعالیت می‌کنند کمترین تعداد را داشته‌اند. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳)

۴- دموکراسی و سازمان‌های مردم نهاد

ایده‌ی دموکراسی مبتنی بر جامعه‌ی مدنی از طریق دموکراسی انجمنی را توکویل در کتاب‌های دموکراسی در آمریکا و نیز رژیم سابق و انقلاب مورد بحث قرار داده است. توکویل با بررسی نحوه‌ی کارآمدی دموکراسی در آمریکا به این نتیجه رسید که برخلاف فرانسه که دولت‌ها یا تحت تأثیر فشار از پایین یا به واسطه‌ی انقلاب تن به دموکراسی می‌دهند، در آمریکا این مشارکت عمومی در انجمن‌های سیاسی و به دنبال آن، انجمن‌های مدنی است که دموکراسی را پدید می‌آورد. به اعتقاد او حتی اگر تشکل‌های سیاسی مستقیماً تأثیری بر تشکل‌های مدنی نداشته باشند، نابودی اولی منجر به از میان رفتن دومی می‌شود.

به همین منوال در یکی از نخستین تحلیل‌ها در مورد نقش سازمان‌های غیردولتی در آفریقا که در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی به زیربنای حجم عظیمی از تحقیقات در این زمینه تبدیل شد، چنین استدلال شده بود که تشکل‌های غیردولتی در ایجاد و تقویت جامعه‌ی مدنی و دموکراسی

از طریق مشارکت مردمی نقش کلیدی دارند. این فرض بر لیبرالیسم آلمانی دو توکویل و رابرت پاتنام استوار است. جامعه‌ی مدنی در این گفتار به حوزه‌ای از زندگی اجتماعی متشکل اطلاق می‌شود که مستقل است، می‌تواند از خود در برابر دولت حفاظت کند، و مقید به مجموعه‌ای از قواعد مشترک است. جامعه‌ی مدنی با کانالیزه کردن تقاضاها و دغدغه‌های گروه‌های منفعتی، باعث مشروعیت، پاسخگو بودن، و شفافیت دولت می‌شود و ظرفیت آن را برای حکمرانی خوب بالا می‌برد. بنابراین به طور مستقل در برابر دولت قرار می‌گیرد و در عین حال مکمل آن است.

در این گفتار بر نقش سازمان‌های غیردولتی برای گذار دموکراتیک تأکید فراوانی صورت گرفت. زیرا بنا به تعریف این سازمان‌ها موجب تشویق شهروندان به مشارکت بیشتر و رصدکردن جمعی حکومت می‌شوند و از این طریق آن را وادار به پاسخگویی و شفافیت در عملکرد می‌سازند. سازمان‌های غیردولتی به بازیگران هر چه بیشتر و به ویژه فرودستان و پردشدگان فرصت می‌دهند که صدای خود را به گوش حکومت برسانند. ازاینرو نقش آنها در گذار دموکراتیک نیز انکارناپذیر تلقی شده است. تجارب برخی از کشورها به ویژه در آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی، که در آنها این سازمان‌ها نقش عمده‌ای در فرایند گذار دموکراتیک ایفا کردند، منجر به تقویت هر چه بیشتر این ایده شده است. فیلیپین و تایلند و اندونزی در جنوب شرقی آسیا، برزیل و شیلی در آمریکای لاتین، و کنیا و آفریقای جنوبی در آفریقا مواردی‌اند که این تشکلهای نقش «میکرو ارگانیزم‌های فرایند دموکراتیک» در «انقلاب انجمنی» را ایفا کرده‌اند.

بر این ادبیات، انتقادات چندی وارد شده است. نخست آنکه این ایده جامعه‌ی مدنی را به عنوان حوزه‌ای مستقل در برابر دولت تلقی می‌کند. در مقابل در ادبیات جامعه‌ی مدنی خاصه نزد گرامشی مفهومی از جامعه‌ی مدنی را می‌یابیم که هم‌مونی بورژوازی از طریق آن اعمال می‌شود و ازاینرو سازمان‌های غیردولتی نیز به عنوان بخشی از جامعه‌ی مدنی تنها بازتاب دهنده‌ی منازعات بر سر منافع در سطوح کلان‌تر هستند. این تشکلهای عمدتاً به واسطه‌ی رابطه‌ای که با اهداکنندگان نهادهای پولی داخلی و بین‌المللی دارند، درواقع کارگزاران این نهادها تلقی می‌شوند و ازاینرو وظیفه‌ی آنها نه حمایت از اقشار فرودست و ضعفا بلکه کارگزاری برای سرمایه‌داری جهانی است. مطابق این نقد، رابطه‌ی دولت و جامعه‌ی مدنی رابطه‌ای مستقل نیست. سازمان‌های غیردولتی فرهنگ و اقتصاد سرمایه‌داری را تقویت می‌کنند. برای مثال در برزیل و شیلی گذار دموکراتیک عمدتاً به واسطه‌ی نقشی که سازمان‌های غیردولتی در تقابل با دولت‌های اقتدارگرا داشته‌اند امکان‌پذیر شده است. اما این تشکلهای پس از گذار دموکراتیک دچار بحران هویت و مشروعیت شده‌اند، زیرا به جای انتقاد از سیاست‌های تعدیل ساختاری که به ضرر فقرا و محرومان جامعه بوده است، به واسطه‌ی دریافت کمک‌های مالی از نهادهای پولی و مالی بین‌المللی و نیز نقشی که در روی کارآمدن دولت‌ها داشته‌اند، ناچار از سکوت در مقابل این سیاست‌ها و حمایت از دولت بوده‌اند. لذا این تشکلهای در عین حال می‌توانند موجب مشروعیت بخشیدن به سازوکارهای غیر دموکراتیک و همکاری با دولت‌ها و نه لزوماً انتقاد و تقابل با آنها باشند.

در ادبیات چپ انتقاد دیگری نیز به این سازمان‌ها وارد شده است. باور بر این است که بسیاری از این تشکلهای عمدتاً توسط نخبگان تحصیلکرده‌ی طبقه‌ی متوسط پدید می‌آیند که ارتباط اندکی با گروه‌های فرودست و محروم دارند و لذا باید در نمایندگی کردن آنها از سوی طبقات فرودست تردید داشت. این انتقاد در ایران نیز نسبت به برخی از تشکلهای غیردولتی وارد شده است. زیرا برخی بر این باورند که این سازمان‌ها بیش از آنکه نماینده‌ی اقشار فرودست باشند، عمدتاً طبقه‌ی متوسط و متوسط بالای شهری را نمایندگی می‌کنند که دغدغه‌ها و منافعشان با طبقات فرودست و پردشدگان متفاوت است.

از سوی دیگر هستند لیبرال‌هایی که اعتقاد چندانی به نقش این تشکلهای در فرایند دموکراتیزاسیون ندارند و برعکس بر نقش نخبگان در گذار دموکراتیک تأکید می‌کنند. برای نمونه ساموئل هانتینگتون در موج سوم دموکراسی بر این اعتقاد است که از میان ۳۳ مورد گذار دموکراتیک تنها در شش مورد «توده‌ها»، آن هم قدری نقش داشته‌اند. گذارهای موفقیت‌آمیز به دموکراسی عمدتاً از بالا صورت گرفته‌اند نه از پایین. حتی انقلاب از پایین نیز زمانی میسر بوده است که پیشاپیش شکافی میان نخبگان پدید آمده باشد. گذارهای موفق در اروپای شرقی مؤید این نکته‌اند، زیرا با وجود تأکیدی که بر نقش جامعه‌ی مدنی در گذار در این منطقه صورت گرفته شواهد حاکی از آن‌اند که در آلمان شرقی و چکسلواکی فقدان جامعه‌ی مدنی و سرکوب آن توسط دولت‌های اقتدارگرای حاکم پیش از فرایند گذار، جایی را برای نقش‌آفرینی فعالان مدنی نگذاشته بود و گذار به دموکراسی در این کشورها عمدتاً از بالا و با حمایت خارج صورت گرفته است.

به نظر می‌رسد حداقل حاصل این رویارویی نظری آن باشد که باید نقش جامعه‌ی مدنی و تشکلهای غیردولتی را در یک بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشخص مورد ارزیابی قرار داد و از تعمیم در مورد نقش اصلی این تشکلهای برای فرایند گذار پرهیز کرد. این مسأله در شرایط ایران نیز مصداق می‌یابد. خواهیم دید این شرایط خاص بر سازوکار دموکراتیک مؤثر نبوده‌اند. باین‌حال حاصل سخن به هیچ رو آن

نیست که نقش بعضاً مثبت سازمان‌های غیردولتی را در زمینه‌ی فعالیت‌شان مورد تردید قرار دهیم. هدف صرفاً بررسی نقش این تشکلهای در فرایند دموکراسی و ایجاد جامعه‌ی مدنی بوده است.

۴-۱- سرمایه‌ی اجتماعی و تشکلهای غیردولتی

رشد انجمن‌های سیاسی و مدنی به چند طریق می‌تواند مشارکت را تسهیل کند و به ارتقاء و تقویت دموکراسی بیانجامد: نخست، آموزش سیاسی، به‌جریان‌انداختن اطلاعات، ارتقای فضیلت‌های مدنی هم‌چون فراگیری چگونگی تشکیل جلسه، استدلال کردن، بسیج، سازماندهی گروه‌ها و جز آن؛ دوم، مقاومت در برابر قدرت و رصد کردن آن؛ سوم، ارتقای سطح کیفی و کمی نظام نمایندگی و تسهیل تفکر گروهی؛ و نهایتاً، مشارکت شهروندان در حکومت. توکویل اعتقاد داشت که مشارکت شهروندان در انجمن‌های «مدنی» می‌تواند احساس وظیفه، حس و ایستگی متقابل به دیگران، و عادت به مشارکت را پرورش دهد؛ ایده‌هایی که توسط نوتوکویلی‌ها در مفهوم «سرمایه‌ی اجتماعی» و در تحقیق معروف پاتنام در مورد ایتالیا با عنوان دموکراسی و سنت‌های مدنی صورت‌بندی شده‌اند. توکویل در واقع به مقایسه‌ی دو جامعه‌ای پرداخته بود که یکی از آنها یعنی آمریکا از سنت‌های قوی مشارکت برخوردار بود و دیگری یعنی فرانسه به لحاظ بی‌بهره‌بودن از این سنت خواست دموکراتیک را به صورت اعتصاب و انقلاب تجربه می‌کرد. در فرانسه، برخلاف دموکراسی انجمنی آمریکایی، فقدان سنت‌های مشارکت اجتماعی مردمی سبب می‌شد که خواسته‌های دموکراتیک هرازگاه در قالب بسیج سیاسی خشونت‌بار بروز کند. رابرت پاتنام نیز با تأکید بر تاریخ و سنت‌ها تجربه‌ی مناطق شمال و جنوب ایتالیا را به بحث می‌گذارد و معتقد است که برخلاف جنوب که دارای سنت‌های دیرپای فنودالی مبتنی بر سلسله‌مراتب و فقدان اعتماد عمومی افراد است، در شمال ایتالیا سنت‌های جمهوری خواهی به فروپاشی ساختار سلسله‌مراتبی، مشارکت شهروندان، سطح بالای اعتماد اجتماعی و کارآیی بالای حکومتی منجر شده‌اند، به آنچه او «سرمایه‌ی اجتماعی» می‌نامد.

یکی از مواردی که در سرمایه‌ی اجتماعی و دموکراسی انجمنی اهمیت دارد میزان اعتماد عمومی افراد به یکدیگر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در صورت پایین‌بودن سطح سرمایه‌ی اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی نمی‌توانند در ارتقای دموکراسی مؤثر باشند.

پاتنام معتقد است که سهم اعتماد عمومی برای دموکراسی بسیار تعیین‌کننده است. این ایده شبیه به همان مفهوم احساس همبستگی ملی است که روستو آن را به عنوان عنصری اساسی در گذار دموکراتیک مورد تأکید قرار می‌دهد. بدین‌سان تأثیر کمی و کیفی انجمن‌ها بر دموکراسی خود تابع میزان اعتماد موجود در جامعه است. تنها هنگامی که اعتماد عمومی بالا باشد، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در ارتقای دموکراسی نقش داشته باشند.

در ایران سطح اعتماد عمومی در مقایسه با جوامع دموکراتیک بسیار پایین است. بر طبق داده‌های حاصل از طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تنها حدود ۹/۱۴ درصد از پرسش‌شوندگان گفته‌اند که اکثر مردم قابل اعتماداند، حال آن‌که در جوامع دموکراتیک این رقم بین ۳۶ و ۶۶ درصد است. (صادقی، ۱۳۹۲)

سازمان‌های مردم‌نهاد، خود را طرفدار اصولی چون ارائه خدمات عام، احترام به حقوق بشر، داشتن آرمان، مسئولیت‌پذیری، همکاری برون مرزی، اهمیت دادن به توده‌ها و عامه مردم، پاسخگویی، صداقت، شفافیت و صراحت، ساختار غیر سودجویانه، اتخاذ رویکرد جامع و داوطلبانگی می‌دانند. ۱ به همین دلیل بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد صرفاً به فعال‌یت‌های امدادی، تلاش برای پیشگیری و مبارزه با جرم‌های سازمان یافته، مانند پول شویی، می‌پردازند. بنابراین سازمان مردم‌نهاد، بر اساس تعریف از پنج مولفه حاصل می‌شود که در شکل (۱) آمده است. (قراملکی، ۱۳۸۸)



شکل ۱ - مولفه‌های پنج‌گانه سازمان‌های مردم‌نهاد

ملاک طبقه بندی گونه های سمن زمینه فعالیت فرهنگی، اجتماعی، آموزشی - پژوهشی یا آموزش - فنی و حرفه ای، تفریحی، مذهبی، صنفی، توسعه‌ای، زیست محیطی، انسان - دوستانه، حقوقی و حقوق بشر، اضطراری، خانواده و سلامت، اخلاقیات و ارزشها، منابع انسانی و طبیعی، صلح و امنیت، پناهجویان وضعیت زنان ملل متحد، توانمندسازی اقلیت‌های قومی - نژادی - زبانی سطح فعالیت محلی، ملی، بین المللی، عملیاتی و حمایتی جهت گیری سازمانی سازمان‌های داوطلبانه، پیمانکاران خدمات عمومی سازمان‌های مردمی، سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های دفاع از حقوق انسان‌ها، سازمانهای حمایت از محیط زیست، سازمانهای امدادگر، سازمان‌های صنفی، سازمان‌های هدایتی. (قراملکی، ۱۳۸۸)

۵- ویژگی های سازمان های مردم نهاد و غیردولتی

با استفاده از تعاریفی که در اسناد سازمان ملل از این سازمان‌های مردم نهاد شده، می‌توان ویژگی‌های اصلی این سازمان‌ها را این گونه برشمرد: غیرانتفاعی بودن: اگر چه این سازمان‌ها می‌توانند در کارهای بازرگانی وارد شوند، اما سود و سرمایه حاصل از آن باید فقط صرف اجرای اهداف سازمان شود یا اینکه در خود سازمان سرمایه‌گذاری شود. مشاوره حقوقی - در واقع باید گفت که این سازمان‌ها با انگیزه سودجویی به وجود نیامده‌اند. این خصوصیت در آیین‌نامه فعالیت سازمان‌های غیردولتی اینگونه منعکس شده: «تقسیم دارایی، سود و یا درآمد سازمان در میان مؤسسان، اعضاء و مدیران و کارکنان آن قبل و پس از انحلال ممنوع است».

استقلال از دولت: سازمان‌های غیردولتی را مردم تأسیس می‌کنند و عموماً دولت‌ها در ایجاد و مدیریت آنها نقش چندانی ندارند. به همین خاطر آیین‌نامه سال ۱۳۸۴ مقرر می‌کند که «واژه "غیردولتی" به این معناست که دستگاه‌های حکومتی در تأسیس و اداره سازمان دخالت نداشته باشند».

داوطلبانه بودن: سازمان‌های غیردولتی را مردم به صورت داوطلبانه به وجود می‌آورند، از سویی این سازمان‌ها باید تابع قوانین و مقررات موجود باشند و از سوی دیگر هیچ تشکیلات دولتی نباید در شرایط عادی، ایجاد، اداره و انحلال آن‌ها را فرمان دهد. عضویت مردم در سازمان‌های غیردولتی، داوطلبانه است.

دارا بودن شخصیت حقوقی: سازمان‌های مردم نهاد در جریان تشکیل به ثبت می‌رسند و از شخصیت حقوقی برخوردار می‌شوند. برخورداری از شخصیت حقوقی موجب جلب اعتماد مردم به آن‌ها می‌شود و علاوه بر آن می‌توانند با سازمان‌های دولتی قرارداد منعقد کنند و از تسهیلات مختلفی نظیر تسهیلات بانکی و... استفاده کنند. در کشور ما یک «ان جی او» بعد از ثبت و اخذ پروانه فعالیت، از شخصیت حقوقی برخوردار می‌شود.

مدیریت دموکراتیک و مشارکتی: ماهیت مردمی سازمان‌های غیردولتی اقتضا می‌کند که فرآیند اداره آن از پایین به بالا و مشارکتی باشد. این ویژگی سبب می‌شود که اعضا همواره بر عملکرد مدیران نظارت داشته باشند و مدیران پاسخگوی عملکردشان در برابر اعضا باشند. تبصره ۱ ماده ۲۱ آیین‌نامه سازمان‌های غیردولتی مقرر می‌کند: «اساسنامه سازمان باید بر رأی گیری آزاد از تمام اعضاء برای انتخاب مدیران و همچنین نحوه تغییر مدیران و دوره تصدی آن‌ها و نیز تصمیمات اساسی در ایجاد هر گونه تغییر و تاثیرگذاری تصریح کند».

خودگردانی: سازمان‌های غیردولتی، از نظر مالی خودگردان هستند، هر چند آن‌ها از دولت، افراد خیر سازمان‌های بین‌المللی و... کمک‌هایی دریافت می‌کنند، با این حال این کمک‌ها نباید موجبات وابستگی‌شان را به منابع کمک کننده فراهم کند، به طوری که سازمان‌های غیردولتی از تعهدات اجتماعی و اهدافشان دور شوند. در کشور ما منابع مالی تامین کننده یک سازمان غیردولتی این گونه تصریح شده است: «هدیه، اعانه و هبه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از داخلی و خارجی و دولتی و غیر دولتی، همچنین وقف و حبس. علاوه بر این سازمان می‌تواند از حق عضویت وجوه حاصل از فعالیت‌های انجام شده در چارچوب موضوع فعالیت، اهداف و اساسنامه سازمان و این آیین‌نامه استفاده کند».

غیر سیاسی: این سازمان‌ها تعهد اجتماعی دارند. هدف اساسی آن‌ها خدمت به اجتماع، فقراء، گروه‌های آسیب پذیر، رفع تبعیض‌های جنسی - نژادی، مشکلات محیطی و... است. ساز و کارهای تاسیس سازمان‌های غیردولتی نیز با سازمان‌های سیاسی و احزاب متفاوت است و معمولاً آن‌ها در زمان تأسیس تعهداتی مبنی بر وارد نشدن به حوزه‌های سیاسی می‌سپارند. با این حال، این ویژگی‌ها نباید به معنی اجتناب از حرکت‌های جمعی و انتقادی به برنامه‌ریزهای دولتی و بین‌المللی تلقی شود. آن‌ها می‌توانند از سازمان‌های دولتی و جهانی انتقاد کنند، برنامه‌هایشان را افشا کنند و راهپیمایی‌های مسالمت آمیزی را برگزار کنند.

سازمان‌های غیردولتی در کشور ما از شاخص‌ها و تعاریف واقعی و اصلی یک سازمان غیردولتی برخوردار نیستند، یعنی دارای یک قانون جامع، تمام شمول و خاص نمی‌باشند. این سازمان‌ها از دولت و سازمان‌های دولتی مجوز فعالیت دریافت می‌کنند و اراده و تصمیم سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی صادرکننده مجوز و پروانه فعالیت، به وضوح در عملکرد آنان دخیل می‌باشد. تعدد و تنوع در دستگاه‌های پراکنده دولتی که

مجوز فعالیت برای این سازمان‌ها صادر می‌کنند، دیده می‌شود. چنین وضعیتی، یعنی عدم وجود یک قانون جامع و خاص برای سازمان‌های غیردولتی و الزام آنان به دریافت مجوز به صورت مستقیم از دولت یا سازمان دولتی و نیز دخالت اراده و تصمیم دستگاه‌های دولتی صادرکننده مجوز به صورت مستقیم از دولت و یا سازمان دولتی و نیز دخالت اراده و تصمیم دستگاه‌های دولتی صادرکننده مجوز در ساختار و احوال سازمان‌های غیردولتی و سایر نقائص و کاستی‌های مبتلابه سازمان‌های غیردولتی در کشور ما سبب شده که انواع و اقسام چالش‌ها و موانع و تبعات زیانبار در راه فعالیت این سازمان‌ها به وجود آید و در نتیجه جامعه و مردم و کشور از آثار ارزشمند این سازمان‌ها محروم باشند و دولت گرفتار و سرگرم مواجهه با مشکلات و تنگنای ناشی از این نقیصه گردد. در کشور ما برای اخذ مجوز فعالیت برای سازمان‌های غیردولتی، یک متولی مشخص وجود ندارد و هر یک از سازمان‌ها نیز دارای شیوه‌ها و روش‌های خاص خود هستند. نکته تعجب آور دیگر این است که هنوز انطباق تعریف و یا تعاریف سازمان‌های غیردولتی به صورت قانون و مدون در کشور ما صورت نگرفته است، به طوری که به دلخواه و سلیقه ای هر جایگاهی برای سازمان‌های مردم نهاد، برداشت و تعریف خود را ارائه می‌دهد و یک تعریف و برداشت همگانی، قانونی و شفاف تعیین نگردیده است. لذا در ترسیم سیمای سازمان‌های غیردولتی در ایران ابهامات فراوانی وجود دارد بر اساس آخرین آمار منتشر شده در کشور ۶۹۱۴ سازمان غیردولتی در ایران وجود دارد که شهر تهران با ۱۱۱۴ واحد رتبه اول و اصفهان با ۹۸۴ واحد رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بیشترین زمینه فعالیت این سازمان‌ها مربوط به فعالیت‌های پولی، مالی و قرض الحسنه است که با ۱۲۷۲ واحد بیشترین رقم را به خود اختصاص داده است و امور خیریه و بشردوستانه در رتبه دوم قرار دارند. از میان ۶۹۱۴ سازمان غیردولتی ۴۱۴۷ سازمان به صورت هیئت امنایی و ۲۷۶۷ سازمان به صورت مجمع عمومی اعضاء اداره می‌شوند. منبع عمده تأمین هزینه ۴۱۰۰ سازمان غیردولتی و شعبه‌های دیگر مشارکت آنان محسوس است و جنبه صوری و ظاهری ندارد. ظرفیت بیان شده در اصول مختلف قانون اساسی ناشی از مشارکت مستقیم مردم است یعنی طبق این اصول مردم به صورت مستقیم می‌توانند در فعالیت‌های اجتماعی حضور مؤثر داشته باشند؛ زیرا علاوه بر این مردم با حضور و مشارکت در فرآیند انتخابات به انتخاب نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و مجلس خبرگان رهبری نیز مبادرت نموده و از این طریق در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های نظام سیاسی مشارکت فعال و حضوری با واسطه داشته باشند. وجود چنین ظرفیت‌هایی ناشی از مردمی بودن و نظام برآمده از آن است. همان گونه که در مقدمه قانون اساسی نیز اشاره شده؛ هدف از حکومت ایجاد شرایط رشد انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خدا گونه‌ی انسان فراهم آید و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. با توجه به این امر، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقا و رهبری شود که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. در این راستا سازمان‌های مردم نهاد در کنار سایر گروه‌های اجتماعی و همچنین نهادهای حکومتی می‌توانند محقق‌کننده این آرمان باشند و سمن‌ها با توجه به اینکه به صورت خاص به بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی در حوزه‌های مختلف می‌پردازند و از مجموع فعالیت‌های خود به دنبال انتفاع‌گرایی و سودمحوری بسیاری از گروه‌های اجتماعی می‌توانند به جلب اعتماد مردم بپردازند. انتفاع‌گرایی و سودمحوری بسیاری از گروه‌های اجتماعی حتی در صورت مفید بودن نتایج فعالیت‌های آنان چندان اعتماد برانگیز نیست، اما سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل همین عنصر غیرانتفاعی بودن و همچنین توانمندی‌شان در رفع تخصصی مشکلات اجتماعی می‌توانند عامل افزایش اعتماد عمومی نسبت به این سازمان‌ها و در سطحی بالاتر، نظام سیاسی باشند، زیرا اگر نهادهای حکومتی بتوانند در یک تعامل مستمر و سازنده، مشکلات ارجاعی از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد را مرتفع سازند، رضایت‌مندی عمومی را کسب خواهند کرد. با توجه به ظرفیت قانون اساسی ضروری است که نهادهای حکومتی در حوزه قانون‌گذاری و اجرا با وضع قوانین عادی و صدور دستورالعمل‌های لازم، شرایط مساعدی را برای فعالیت و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم آورند تا امکان بیشتری برای توسعه یافتگی و افزایش توانمندی‌های نظام سیاسی به منظور پاسخ-گویی نسبت به تقاضاهای اجتماعی ایجاد شود. (قربانی سپهر و همکاران، ۲۰۱۷)

سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان جایگزینی مناسب برای دولت‌ها در زمینه ارائه خدمات و اولویتهایی مانند تنظیم خانواده، حمایت از کودکان، توسعه مشارکت‌ها، محیط‌زیست و گردشگری دانست. سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح عام نیروهای مهم برای دموکراتیزه کردن و تقویت نهادهای جامعه مدنی محسوب می‌شوند و تغییرات اجتماعی را سرعت می‌بخشند. این سازمان‌ها می‌توانند منشأ خلاقیت، نوآوری و آزمون رویکردهای نوین در قبال مسائل توسعه باشند. سازمان‌های مردم‌نهاد همچنین نقشی اساسی در دریافت و انعکاس بازخوردها درباره رویکردها،

سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها دارند. به هر روی در جامعه خواهان توسعه پایدار نمی‌توان فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را نادیده گرفت و به همین دلیل باید بسترهای مطلوبی برای فعالیت این سازمان‌ها فراهم شود تا بتوان به سوی توسعه پایدار گام برداشت. (محمدی، ۱۳۹۰)

۶- نتیجه گیری

در این پژوهش، ابتدا به پیشینه بررسی کارکردها و نقش آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد از دیدگاه محققین علوم اجتماعی پرداخته، و سپس به بیان تعاریف گوناگونی که از این سازمان‌ها وجود دارد پرداخته شد. ویژگی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و هم‌چنین کارکرد‌های آنها از دیگر بخش‌های مقاله پیش‌رو است که به آن پرداخته شد. نقش سمن‌ها در دموکراتیزه کردن و فرهنگ‌سازی فعالیت جمعی و تاثیر آن در نظام سیاسی از دیگر مطالبی بود که بر آن تاکید گردید.

منابع:

- آرش قربانی سپهر، محبوبه ساعدی، آزاده منیری مقدم، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای ارتقاء سرمایه فرهنگی و اجتماعی شهروندان، اولین کنفرانس بین‌المللی و هشتمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۰۱۷.
- احد فرامرز قراملکی، اخلاق در سازمان‌های مردم‌نهاد، تهران نشر نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۸
- فاطمه صادقی، سیاست‌زدایی از جامعه‌ی مدنی، گفتگو شماره ۴۷.
- آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، ماده‌ی ۳.
- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی، تهران: دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۳، ص ۷.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، گزارش عملکرد دولت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰، صفحه ۴۸-۵۵، و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی، دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۳.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، گزارش عملکرد دولت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰، ص ۵۱.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی، دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲.
- دماری بهزاد، حیدرنیا محمدعلی، رهبری بناب مریم، نقش و عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در حفظ و ارتقای سلامت جامعه، پایش، ۱۳۹۳، دوره ۱۳، شماره ۵، صفحه ۵۴۱-۵۵۰.
- ترنس گوی، جاناناتان پ. دوه، گراهام سینکلر، "سازمان‌های غیردولتی، فعالیت سهامداران و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی مسئولانه: پیامدهای اخلاقی، استراتژیک و حکمرانی"، ۲۰۰۴، دوره ۵۲، شماره ۱، ص ۱۲۵-۱۳۹.
- علی اصغر محمدی، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه، همشهری آنلاین، ۱۷ دیماه ۱۳۹۰.

- Patrick Kilby, Accountability for Empowerment: Dilemmas Facing Non-Governmental Organizations, Volume 34, Issue 6, June 2006, Pages 951-963.
- Qiusa Ma, Non-Governmental Organizations in Contemporary China, 2005.
-

Investigating the role and place of NGOs in social relations

MohammadrezaMoghoomi¹

1- Faculty member of Daneshpajooan Higher Education Institute, Esfahan, Iran.

The present study addresses the role and position of non-governmental organizations in the social structure of the society. These organizations despite their long history in the Iranian society and the institutionalization of their activities, have failed to find their true position in social relations on the one hand and interaction with the political system and executive management on the other hand. This issue can be associated with multiple factors.

The main point is that serious efforts should be accompanied with explaining the goals, qualities and roles of these organizations and the position of organizations should be attained in the society legally. The major problem facing the development and institutionalization of the activities and operations of NGOs is the absence of a proper mechanism and integrity in dealing with these organizations in the executive and decision-making system.